

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیریت تحصیلات تکمیلی

پایان نامه برای اخذ درجه کارشناسی ارشد
رشته زبان و ادبیات فارسی

عنوان پژوهش
جلوه‌های شعر تغزلی در مثنوی‌های تعلیمی
عطار نیشابوری

استاد راهنما
دکتر تقی پورنامداریان

استاد مشاور
دکتر ابوالقاسم رادفر

نگارش
فرزانه خلیل‌پور

سال دفاع
۱۳۸۵

فهرست مطالب

أ- د	چکیده
۱	پیش‌گفتار
۲	فصل اول: درباره‌ی عطار
۲	۱- نام و نسب
۲	۲- ولادت / وفات
۳	۳- شرح حال
۴	۴- نسب‌نامه‌ی معنوی
۵	۵- مذهب
۶	۶- آثار
۸	الف- اسرارنامه
۹	ب- الهی‌نامه
۱۰	ج- منطق‌الطیر
۱۱	د- مصیبت‌نامه
۱۲	پی‌نوشت
۱۷	فصل دوم: انواع ادبی
۱۸	۱. انواع ادبی و تعریف آن
۲۲	۲. انواع ادبی در اروپا
۲۴	۳. انواع ادبی در شرق و ایران
۲۶	الف- شعر نمایشی
۲۸	۱. ادب نمایشی در غرب
۲۸	الف- تراژدی
۲۹	ب- درام
۳۰	ج- کمدی
۳۰	۲. ادب نمایشی در ایران
۳۱	ب- شعر حماسی
۳۴	۱. حماسه‌های طبیعی
۳۴	۲. حماسه‌های مصنوع
۳۶	ج- شعر تعلیمی
۴۰	۱. شعر تعلیمی در اروپا
۴۱	۲. شعر تعلیمی در ایران
۴۴	۳. قالب‌های شعر تعلیمی در ادبیات فارسی
۴۵	د- شعر غنایی
۴۸	۱. ادب غنایی در اروپا
۵۰	۲. ادب غنایی در ایران
۵۵	۳. تغزل یکی از انواع شعر غنایی
۶۰	۴. جلوه‌های شعر تغزلی در شعر تعلیمی

فصل سوم: عاشق و معشوق در داستان‌های تغزلی مثنوی‌های تعلیمی عطار

۸۰. ۱. شخصیت اجتماعی معشوق
۸۲. الف- شخصیت‌های تاریخی و مذهبی
۸۵. ب- شخصیت‌های دارای پایگاه اجتماعی ویژه بدون ذکر نام و نشان
۸۸. ج- افراد دارای شخصیت نامعلوم
۸۹. د- موجوداتی غیرانسان
۹۰. ۲. جنسیت معشوق
۹۱. الف- مذکر
۹۵. ب- مؤنث
۹۷. ج- نامعلوم
۹۹. د- غیرانسان
۱۰۰. ۳. ویژگی‌های ظاهری و باطنی معشوق
۱۰۱. الف- ویژگی‌های ظاهری
۱۰۱. ۱. وصف و تشبیه اندام و اعضای ظاهر
۱۰۱. الف - ابرو
۱۰۴. ب- پیشانی
۱۰۵. ج - تن و اندام
۱۰۷. د- چشم
۱۱۲. هـ- خال
۱۱۲. و- خط
۱۱۴. ز- دندان
۱۱۷. ح- دهان
۱۲۰. ط- رخسار
۱۲۷. ی- زلف
۱۳۸. یا- قد
۱۳۹. یب- لب
۱۴۷. یج- مژگان
۱۴۹. ید- میان
۱۴۹. ۲. دیگر ویژگی‌های ظاهری
۱۴۹. الف- اعجوبه بودن
۱۴۹. ب- آن داشتن
۱۴۹. ج- آواز خواندن
۱۴۹. د- بی‌مانند بودن
۱۵۰. هـ- تلخ بودن
۱۵۰. و- جان‌پرور بودن
۱۵۰. ز- خرامیدن
۱۵۱. ح- خندیدن

۱۵۱	ط- درخور بودن
۱۵۱	ی- دلبر / دلستان بودن
۱۵۲	یا- دلبنده بودن
۱۵۲	یب- دلفروز / دلفریب / دلنواز بودن
۱۵۳	یج- روحانی صفت بودن
۱۵۳	ید- سخن گفتن
۱۵۵	یه- شیرین بودن
۱۵۵	یو- طراوت داشتن
۱۵۶	یز- عالم‌افروز بودن
۱۵۶	یح- غمزه‌دار بودن
۱۵۶	یط- فروغ و فر داشتن
۱۵۶	ک- لطافت / لطف داشتن
۱۵۷	کا- لطف طبع داشتن
۱۵۷	کب- ملاحظت داشتن
۱۵۸	ب- ویژگی‌های باطنی
۱۵۸	۱. پاک گوهر بودن
۱۵۸	۲. تیرانداز بودن
۱۵۸	۳. خردمند بودن
۱۵۹	۴. خوشی داشتن / خوش خلق بودن
۱۵۹	۵. صالح / زاهد بودن
۱۵۹	۶. تیغ زن بودن
۱۶۰	۷. سرکش بودن
۱۶۰	۸. سرمست بودن / مست بودن
۱۶۰	۹. سنگین دل بودن
۱۶۱	۱۰. شجاعت داشتن
۱۶۱	۱۱. طالب عاشق بودن
۱۶۱	۱۲. گوی‌باز بودن
۱۶۲	۱۳. مهربان بودن
۱۶۲	۱۴. ناز داشتن
۱۶۲	۱۵. نفرین
۱۶۳	۱۶. نوازنده بودن
۱۶۳	۱۷. همت عالی داشتن
۱۶۴	۴. شخصیت اجتماعی عاشق
۱۶۴	الف- شخصیت‌های تاریخی
۱۶۸	ب- شخصیت‌های دارای پایگاه اجتماعی ویژه بدون ذکر نام و نشان این افراد
۱۷۳	ج- افراد دارای شخصیت نامعلوم
۱۷۶	د- موجوداتی غیرانسان

۱۷۷	۵. جنسیت عاشق
۱۷۷	الف- مذکر
۱۸۳	ب- مؤنث
۱۸۴	ج- نامعلوم
۱۸۵	د- غیرانسان
۱۸۶	۶. ویژگی‌های ظاهری و باطنی عاشق
۱۸۶	الف- ویژگی‌های ظاهری
۱۸۶	۱. وصف و تشبیه اندام و اعضای ظاهر
۱۸۶	الف- ابرو
۱۸۷	ب- تن و اندام
۱۸۷	ج- چشم
۱۸۸	د- خط
۱۸۸	هـ- دندان
۱۸۸	و- دهان
۱۸۹	ز- رخسار
۱۹۰	ح- زلف
۱۹۰	ط- زنخدان
۱۹۱	ی- لب
۱۹۳	یا- مژگان
۱۹۳	۲. دیگر ویژگی‌های ظاهری
۱۹۳	الف- دل‌آشوب بودن
۱۹۳	ب- دل‌ریا/ جان‌فزا بودن
۱۹۳	ج- زیبا بودن
۱۹۳	ب- ویژگی‌های باطنی
۱۹۳	۱. ادب‌داشتن
۱۹۵	۲. اسرار‌دان بودن
۱۹۵	۳. بسیار دان بودن
۱۹۵	۴. پیر عهد خویش بودن
۱۹۵	۵. تحصیل کردن
۱۹۶	۶. تکبر داشتن
۱۹۶	۷. تیرانداز بودن
۱۹۶	۸. تیزفهم بودن
۱۹۶	۹. حج گزاردن
۱۹۷	۱۰. حق‌شناس بودن
۱۹۷	۱۱. خردمندبودن
۱۹۷	۱۲. خوار بودن
۱۹۷	۱۳. زیرک بودن
۱۹۷	۱۴. شاعر بودن
۱۹۸	۱۵. شجاع بودن
۱۹۸	۱۶. شفا دادن

۱۹۹	۱۷. صاحب کرامت بودن
۱۹۹	۱۸. صاحب کشف بودن
۱۹۹	۱۹. صلاة گزاردن/ صوم داشتن
۱۹۹	۲۰. عالی گهر بودن
۱۹۹	۲۱. عقل اندک داشتن
۱۹۹	۲۲. علم/عمل/عیان داشتن
۲۰۰	۲۳. کاردان بودن
۲۰۰	۲۴. کمال داشتن
۲۰۰	۲۵. نامدار بودن
۲۰۰	۲۶. نیک نام بودن
۲۰۱	۲۷. نیک مرد بودن
۲۰۱	۲۸. هنرور بودن
۲۰۲	۷. احوال عاشق
۲۰۲	۱. آشفته دل بودن
۲۰۳	۲. امید دیدار داشتن
۲۰۳	۳. انتظار داشتن
۲۰۳	۴. آه کشیدن
۲۰۴	۵. ایمان و دین از دست دادن
۲۰۵	۶. با خویشتن برنیامدن
۲۰۵	۷. بی خواب و خور گشتن
۲۰۶	۸. بی خویش گشتن
۲۰۷	۹. بی قرار بودن
۲۰۹	۱۰. بیمار شدن
۲۰۹	۱۱. پای بند بودن به معشوق
۲۱۰	۱۲. پاک باز بودن
۲۱۲	۱۳. پند نانیوش بودن
۲۱۲	۱۴. تبیدن از عشق
۲۱۳	۱۵. تحمل کردن درد و رنج به خاطر دوست
۲۱۳	۱۶. ترک درس گفتن
۲۱۳	۱۷. ترک نام و ننگ کردن
۲۱۴	۱۸. جان دادن در راه عشق
۲۱۵	۱۹. جان وقف معشوق کردن
۲۱۶	۲۰. حلاوت از دست دادن
۲۱۶	۲۱. خاک افشاندن
۲۱۶	۲۲. خدمت کردن
۲۱۷	۲۳. خراب از عشق گشتن
۲۱۸	۲۴. خمیده قامت گشتن
۲۱۸	۲۵. درد یافتن
۲۲۰	۲۶. دل از دست دادن
۲۲۲	۲۷. دل پر آتش شدن از عشق
۲۲۲	۲۸. دل تنگ گشتن

۲۲۲	۲۹. دل خون شدن
۲۲۳	۳۰. دلدادۀ بودن
۲۲۴	۳۱. دیوانه دل شدن
۲۲۴	۳۲. رسوا شدن
۲۲۵	۳۳. رشک بردن
۲۲۵	۳۴. رنج بردن
۲۲۶	۳۵. رنگ رخسار زرد گشتن
۲۲۷	۳۶. روزگار سیاه شدن
۲۲۷	۳۷. سرگشته بودن
۲۲۹	۳۸. سرنگون گشتن
۲۲۹	۳۹. سوختن از عشق
۲۳۲	۴۰. سیرگشتن از جان
۲۳۲	۴۱. طاقت طاق شدن
۲۳۳	۴۲. طراوت از دست دادن
۲۳۳	۴۳. غم خوردن
۲۳۴	۴۴. کشته شدن به خاطر اقرار به عشق
۲۳۵	۴۵. کشته شدن به سبب نگاه به غیر
۲۳۵	۴۶. کشته شدن عاشق به سبب نگاه به غیر و سستی در آزمون
۲۳۶	۴۷. گریه کردن
۲۳۸	۴۸. گنگ و لال گشتن از عشق
۲۳۹	۴۹. لرزیدن
۲۳۹	۵۰. ماتم گرفتن
۲۳۹	۵۱. مبهوت شدن/ مدهوش گشتن
۲۴۱	۵۲. محو معشوق بودن
۲۴۱	۵۳. مست عشق بودن
۲۴۲	۵۴. مشوش بودن
۲۴۲	۵۵. میان خاک و خون بودن
۲۴۲	۵۶. نابینا گشتن از شدت گریه
۲۴۳	۵۷. ناتوان گشتن
۲۴۳	۵۸. ناکام بودن
۲۴۴	۵۹. نالیدن
۲۴۴	۶۰. نوحه کردن
۲۴۴	۶۱. همه جا را معشوق دیدن/ همه چیز عاشق معشوق بودن
۲۴۵	۶۲. هجران کشیدن
۲۴۷	پی‌نوشت
۲۴۸	نتیجه‌گیری
۲۵۷	منابع چکیده‌ی انگلیسی

چکیده

فریدالدین عطار نیشابوری شاعر قرن ششم و هفتم هـ. ق، در چهار مثنوی تعلیمی اسرارنامه، الهی‌نامه، منطق‌الطیر و مصیبت‌نامه در خلال تعالیم عرفانی خویش هرجا که بهانه‌ای می‌یابد به سرودن داستان‌های تغزلی می‌پردازد و بدین ترتیب انواع تعلیمی و غنایی را به هم می‌آمیزد.

تعداد این حکایت‌ها در چهار اثر فوق به صد می‌رسد. این داستان‌ها با مشخص کردن جنسیت عاشق و معشوق و بیان موقعیت اجتماعی آن‌ها آغاز می‌گردد و با برشمردن ویژگی‌های ظاهری و باطنی و نیز احوال و روابط میان آن دو ادامه می‌یابد و با نتیجه‌گیری پایان می‌پذیرد.

کلید واژه‌ها: عطار، تعلیمی، تغزلی، غنایی، عاشق، معشوق.

پیش‌گفتار

فریدالدین عطار نیشابوری شاعر و عارف مشهور قرن ششم و هفتم هجری قمری است که به دلیل به جا گزاردن آثار گران سنگ در زمینه‌های ادب و عرفان بخش قابل توجهی از پژوهش‌ها و تحقیق‌های ادبی را به خود اختصاص داده است. آثار عطار به دلیل قابلیت‌های فراوان تاکنون از چشم‌اندازهای گوناگون مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته‌اند و پژوهش حاضر با عنوان «جلوه‌های شعر تغزلی در مثنوی‌های تعلیمی عطار» قصد دارد آن دسته از آثار وی را که دارای عنوان تعلیمی هستند از دیدگاه حضور مضامین تغزلی در این اشعار مورد بررسی قرار دهد.

در این باره باید گفت جایگاه تغزل که شامل مضامین وصف طبیعت و نیز اوصاف معشوق، عاشق و حالات عشق می‌گردد در حوزه‌ی ادب غنایی است و اشعار تعلیمی نیز با هدف آموزش معانی و مفاهیم اجتماعی، اخلاقی، عرفانی و غیره پدید می‌آیند. با این حال گاه شاهد راه یافتن مضمون‌های شعر تغزلی در آثار تعلیمی و به ویژه منظومه‌های تعلیمی - عرفانی که توسط شاعران صوفی مسلک پدید آمده‌اند هستیم.

بررسی این نوع آمیختگی و طرح تغزل در این دسته از آثار نکته و مبحث جدیدی است که شناخت آن در حوزه‌ی تحقیقات ادبی ضروری می‌نماید و آثار عطار نیز از این قاعده بیرون نیستند. عطار در مثنوی‌های چهارگانه‌ی اسرارنامه، الهی‌نامه، منطق‌الطیر و مصیبت‌نامه هر جا که فرصتی می‌یابد در خلال تعالیم خویش و به مناسبت موضوع به سرودن داستان‌های عاشقانه‌ی کوتاه و یا بلند می‌پردازد. این حکایت‌ها خواه از ابیاتی اندک و خواه بسیار تشکیل شده باشند از ویژگی‌های اصلی شعر تغزلی برخوردارند. تعداد این حکایت‌ها در چهار مثنوی تعلیمی عطار به صد مورد می‌رسد که از این تعداد چهل و چهار مورد در مصیبت‌نامه، سی و سه مورد در الهی‌نامه، نوزده مورد در منطق‌الطیر و چهار مورد در اسرارنامه به چشم می‌خورد.

اغلب این داستان‌ها با معرفی شخصیت اجتماعی عاشق و معشوق آغاز می‌شود و با ارائه‌ی توصیفات، شرح احوال و روابط میان آن دو ادامه می‌یابد و با آوردن نتیجه‌ای پایان می‌گیرد. اما نکته‌ی قابل توجه استفاده‌ی فراوان عطار از نقش مایه‌های آزاد در این داستان‌هاست که آن‌ها را بیش از هر چیز برای به تصویر کشیدن زیبایی‌های ظاهری و باطنی شخصیت‌ها، به ویژه شخصیت معشوق و نیز بیان حالت‌های عاشق در مواجهه با پدیده‌ی عشق به کار می‌گیرد. حساسیت فراوان عطار نسبت به مقوله‌ی زیبایی و عشق به قدری است که گاه ابیات فراوانی تنها به وصف این مقوله اختصاص می‌یابد تا آنجا که گویی عطار هدف اصلی از سرودن حکایت را فراموش می‌کند و این مسئله این تصور را در ذهن خواننده ایجاد می‌کند که شاید او سرودن این داستان‌ها را بهانه‌ای برای بروز احساسات و عواطف شخصی خویش ساخته است.

این پژوهش با تکیه بر آن جنبه از جلوه‌های شعر تغزلی که به ویژگی‌های عاشق و معشوق اختصاص دارد در سه فصل تنظیم گشته است.

فصل اول با عنوان «درباره‌ی عطار» به معرفی کوتاهی از عطار می‌پردازد و شامل شش عنوان نام و نسب، ولادت و وفات، شرح حال، نسب‌نامه‌ی معنوی، مذهب و آثار عطار می‌گردد که در بخش اخیر ضمن معرفی همه‌ی آثار وی به چهار اثری که در این مجموعه بستر پژوهش را تشکیل می‌دهند پرداخته شده است.

فصل دوم با عنوان «انواع ادبی» شامل تعاریف و نظریات مختلف درباره‌ی انواع ادبی، لزوم دسته‌بندی آثار، بررسی سیر انواع ادبی در اروپا، شرق و ایران؛ همچنین بررسی انواع ادبی نمایشی، حماسی، تعلیمی و غنایی است.

در بحث شعر نمایشی، تراژدی، درام و کمدی تعاریف کوتاهی دارند و این نوع شعری به عنوان پدیده‌ای که در یک قرن اخیر تا حدودی در ایران مورد توجه قرار گرفته، بررسی شده است. در شعر حماسی نیز زمینه‌های مختلف حماسه و نیز حماسه‌های طبیعی، مصنوعی و دینی مورد توجه قرار گرفته‌اند.

پس از آن شعر تعلیمی، تعریف آن و نظریات ارائه شده در این زمینه، همین طور سیر این گونه‌ی شعری در ایران و اروپا و قالب‌های آن در ادبیات فارسی بررسی شده است. در بخش شعر غنایی نیز علاوه بر بررسی این نوع شعری در اروپا و ایران، از تغزل به عنوان یکی از انواع شعری نام برده شده و به تعریف و بیان معانی مطرح در آن پرداخته شده است. جلوه‌های شعر تغزلی در شعر تعلیمی عنوان دیگری از این قسمت محسوب می‌شود.

نوشته فصل اول و دوم با فیش‌برداری و تدوین مطالب جمع‌آوری شده از چهل و یک منبع شکل گرفته است که به جز یک منبع خارجی سایر منابع فارسی هستند.

فصل سوم آخرین فصل این مجموعه را با عنوان عاشق و معشوق در داستان‌های تغزلی مثنوی-های تعلیمی عطار تشکیل می‌دهد. این فصل دارای هفت بخش شخصیت اجتماعی، جنسیت، ویژگی‌های ظاهری و باطنی معشوق و نیز شخصیت اجتماعی، جنسیت، ویژگی‌های ظاهری و باطنی و احوال عاشق است.

برای فراهم آوردن این فصل ابتدا به مطالعه‌ی چهار اثر تعلیمی عطار پرداخته شد و پس از تشخیص و جدا نمودن داستان‌های عاشقانه و نامگذاری حکایت‌ها براساس آنچه عاشق و معشوق در داستان‌ها بدان خوانده شده‌اند، فیش‌برداری از ابیات صورت گرفت. به این ترتیب که تک تک ابیاتی که می‌توانست شاهی برای عنوان‌های این فصل باشد در فیش‌های جداگانه ضبط گردید و در صورتی که بیتی قابلیت دسته‌بندی در دو عنوان متفاوت و یا بیش‌تر را داشت در فیش‌های جداگانه و با نام‌های متفاوت دسته‌بندی گردید. پس از آن با قرار دادن هر یک از فیش‌ها در دسته‌ی مخصوص به خود کار نوشتن بخش‌های مختلف فصل آغاز شد. در هر قسمت ابتدا با توجه به عنوان، مقدمه‌ای کوتاه تهیه گردید و در آخر به ارائه‌ی نمونه‌ها از چهار اثر پرداخته شد.

لازم به یادآوری است تعداد نمونه‌های ارائه شده از هر اثر چهار یا پنج مورد است که تنها در صورتی که تعداد نمونه‌ها از ده یا پانزده مورد تجاوز کند و یا شماری کل ابیات شاهد هفت یا هشت باشد این تعداد اندکی افزایش می‌یابد.

ترتیب قرار گرفتن نمونه‌های هر اثر نیز براساس ترتیب تاریخی پدید آمدن اثر مربوط به آن است که این ترتیب براساس پژوهش جناب آقای دکتر تقی پورنامداریان در دیدار با سیمرخ بدین قرار است: ۱. اسرارنامه، ۲. الهی‌نامه، ۳. منطق‌الطیر، ۴. مصیبت‌نامه.

نکته‌ی دیگر آنکه در ذیل هر نمونه به ترتیب نام اثر به صورت مخفف و پس از آن شماری بیت آن ذکر گردیده است و در مورد مصیبت‌نامه به دلیل آنکه ابیات این اثر فاقد شماره هستند، شماری صفحه و شماره سطر آن عنوان گشته است.

در ضمن علاوه بر بخش‌هایی که تشکیل دهنده‌ی این فصل هستند، فیش‌برداری‌های لازم برای تدوین دو بخش دیگر با نام‌های احوال و رفتار معشوق در ارتباط با عاشق و احوال و رفتار عاشق در ارتباط با معشوق صورت گرفته بود که به دلیل آنکه شمار عنوان‌های این دو قسمت به حدود صد و پنجاه مورد می‌رسید و باعث حجیم شدن رساله می‌گشت با صلاح‌دید استاد راهنما از افزودن این دو بخش به رساله خودداری شد.

به هر روی پس از پایان یافتن فصل سوم رساله، صفحاتی با عنوان نتیجه‌گیری ارائه می‌شود. این قسمت شامل بررسی مختصری از داستان‌های عطار و ارائه‌ی آماری از مطالب عنوان شده در فصل سوم است.

نکته‌ی پایانی اینکه نگارش لغات این مجموعه براساس نظرات دکتر علی اشرف صادقی و سرکار خانم زهرا زندی مقدم در کتاب «فرهنگ املائی خط فارسی» انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی است.

در اینجا لازم می‌دانم از استاد بزرگوار و فرزانه‌ام جناب آقای دکتر تقی پورنامداریان که ضمن ارائه‌ی طرح کلی این پژوهش، راهنمایی بنده را برعهده گرفتند و با وجود کسالت با صبر و حوصله‌ی تمام اشکالات این جانب را برطرف نمودند، صمیمانه تشکر و قدردانی نمایم. از خداوند منان آرزوی صحت و سلامت ایشان را دارم.

همچنین از استاد عزیز و ارجمندم جناب آقای دکتر ابوالقاسم رادفر - رئیس پژوهشکده و مدیر محترم گروه زبان و ادبیات فارسی - که امر مشاوره‌ی پایان‌نامه را برعهده داشتند، به خاطر دقت نظر و راهنمایی‌های بی‌دریغشان در طول نوشتن رساله سپاسگزارم و از خدای بزرگ برای ایشان آرزوی بهترین‌ها را می‌کنم.

از سرکار خانم دکتر سهیلا صارمی نیز که بر نگارنده منت نهاده و داوری این رساله را پذیرفتند و با مطالعه‌ی دقیق و ارائه‌ی نظرات هوشمندانه‌ی خود این جانب را در اصلاح هر چه بهتر آن یاری کردند، سپاسگزارم.

همچنین از مسئول محترم کتابخانه جناب آقای فرخ امیرفریار و تمامی کتابداران محترم که امکان دسترسی اینجانب را به منابع میسر ساختند، ممنونم.

در نهایت لازم می‌دانم از پدر و مادر عزیزم به خاطر زحمات بی‌دریغ و تشویق‌های همیشگی و دلسوزانه و نیز از همسر مهربانم به خاطر همراهی و کمک‌های بی‌وقفه سپاسگزاری نمایم.

فصل اول

درباره‌ی عطار

درباره‌ی عطار

«یکی از نشان‌های بزرگی مردان تاریخ این است که مرد هرچه بزرگ‌تر باشد تار و پود افسانه بیش‌تر بر گرد او تنیده می‌شود. معتقدات مردم چنان هاله‌ای گرد چهره‌ی او می‌کشد و چنان پرده‌ای بر رخسار او می‌اندازد که حقیقت فدای افسانه می‌شود.»^۱

«در میان بزرگان شعر فارسی، زندگی هیچ شاعری به اندازه‌ی زندگی عطار در ابر ابهام نهفته نمانده است.»^۲ شاید همین پوشیدگی «خود یکی از دلایل تبلور شخصیت او باشد که مثل دیگر قدیسان عالم در فاصله‌ی حقیقت و رؤیا و افسانه و واقعیت در نوسان باشد.»^۳

به هر روی در این پژوهش نگاهی گذرا خواهیم داشت بر بخش‌هایی از زندگی عطار که منابع قابل اعتمادتر آن را روشن‌تر می‌نمایند.

۱. نام و نسب

بنابر گفته‌ی پورنامداریان «آنچه در غالب منابع و تحقیقات موثق درباره‌ی نام و نسب عطار مشترک و پذیرفتنی است این است که لقب او فریدالدین، نامش محمد، تخلص مشهور شعری‌اش عطار و اهل نیشابور بوده است.»^۴ و فروزانفر سبب تخلص وی به عطار را به نقل از محمد قزوینی اشتغال به شغل طبابت و نیز داروفروشی که آن را عطاری می‌خوانده‌اند، دانسته است.^۵

۲. ولادت / وفات

محققانی که به تحقیق در احوال و آثار عطار پرداخته‌اند هریک به نتایجی متفاوت از دیگری در باب سال تولد و مرگ وی رسیده‌اند، به گونه‌ای که سعید نفیسی^۶ سال ۵۳۰ هـ. ق و ۶۲۷ هـ. ق، زرین کوب^۷ و فروزانفر^۸ سال ۵۴۰ هـ. ق و ۶۱۸ هـ. ق و شفیعی کدکنی^۹ و پورنامداریان^{۱۰} سال ۵۵۳ هـ. ق و ۶۳۷ هـ. ق را برای تولد و مرگ وی می‌پذیرند.

۳. شرح حال

به گفته‌ی مورخین قدیم و تذکره‌نویسان، عطار در روستای کدکن، واقع در ربع شامات نیشابور کهن و در جلگه‌ی رخ دیده به جهان گشود.^{۱۱}

بنابر مشهور نام پدر وی ابراهیم و کنیه‌اش ابوبکر بوده و در میانه‌ی سال‌های ۵۹۵-۵۹۶ هـ. ق، در حدود هشتاد سالگی دیده از جهان فرو بسته است.^{۱۲}

در ده کدکن زیارتگاهی است به نام «پیر زروند» معروف به «مزار شیخ ابراهیم» که بنابر اعتقادات و اطلاعات کهن باقی مانده نزد اهالی، این مکان مزار پدر عطار و مورد تقدیس و احترام آنان است.^{۱۳}

مادر او نیز «چنان که از گفته‌ی شیخ در *خسرونامه* (یا *گل و هرمز*) مستفاد می‌شود به وقت آنکه عطار سرگرم سرودن آن منظومه بود، درگذشت و آن زن اهل معنی بود و نفس مؤثر و آه سحرگامی عرش‌گذار داشت و مدت بیست سال می‌رفت که طریق زهد پیش گرفته و خدمت گزیده بود و مایه‌ی استظهار و پشت گرمی شیخ بود. وفات او به سال پانصد و نود و هشت یا ششصد و سه اتفاق افتاده است.»^{۱۴}

بنا بر حدس شفیعی کدکنی، عطار به احتمال قوی دارای همسر و فرزندان بوده است و به گفته‌ی وی مطالعه‌ی برخی از محققان بر روی چند رباعی او که در مرثیه‌ی جوانی گفته شده، این

تصور را برای آنان ایجاد کرده که دست کم یکی از فرزندان وی در زمان جوانی و حیات عطار در گذشته است.^{۱۵}

در آثار عطار و اسنادی که درباره‌ی او موجود است «از تحصیلات و سفرها و جزئیات زندگی او اطلاع روشنی وجود ندارد؛ چون نیشابور در عصر او مرکز فرهنگی بزرگی بوده و یکی از چند مرکز علمی و ادبی تمام عالم اسلامی، بنابراین نیازی نبوده که وی برای کسب دانش به شهرها و نواحی دیگر سفر کند و طبیعی است که وی همه‌ی دانش‌های لازم را در همان شهر فرا گرفته باشد.»^{۱۶}

به تصریح فروزانفر او مردی مطلع از علوم و فنون ادبی، حکمت، کلام، نجوم، محیط بر علوم دینی نظیر تفسیر و روایت، احادیث و فقه بوده است و به اقتضای حرفه‌ی خود، بصیر در گیاه‌شناسی و شناخت خواص ادویه و همین‌طور آگاه از مبادی طب.^{۱۷}

«از اساتید و مشایخ او هیچ‌گونه اطلاعی در دست نیست و خود، ارتباط معنوی خویش را با هیچ‌یک از مشایخ عصر روشن نکرده است.»^{۱۸}

در همان ایام در نیشابور حوادث زیادی چون قحطی‌های مکرر در سال‌های ۵۵۲، ۵۴۳، ۵۳۲ هـ. ق، آتش‌سوزی بازار عطاران در سال ۵۵۳ هـ. ق، تجاوزهای غزان که یک بار هم به گرفتاری سلطان سنجر به دست غزها و فتنه‌ی عظیم آنجا و غارت و کشتار وسیع مردم در سال ۵۴۸ هـ. ق منجر شد، جنگ‌های میان غزان و محمود بن محمد خاقان سمرقند و مؤید آی ابه و زلزله‌ی عظیم سال ۶۰۵ رخ داده است که عطار اگر هیچ‌کدام از آن‌ها را هم ندیده باشد، وصفش را از بزرگ‌ترها شنیده است. با این حال در آثار وی نشانه‌ی چندانی از این رخدادها به چشم نمی‌خورد.^{۱۹}

فروزانفر نظر خود را در مورد عطار این چنین بیان می‌کند: «عطار دارای ثروت و مکنّت شخصی بوده و احتیاج به خلق نداشته است داشتن داروخانه‌ای که همه روز عده‌ی کثیر و به قول خودش «پانصد شخص» بدان مراجعه کرده و دارو می‌خریده‌اند محتاج به چندتن شاگرد است و دلیل تمکن و وسعت مالی صاحب آن نیز هست. این تمکن مالی و عدم احتیاج در زندگانی عطار اثر مهم به جا گذاشته و ما تصور می‌کنیم که همین بی‌نیازی سبب شده است که مناعت نفس او محفوظ بماند و برای طلب روزی مدح این و آن نکند و قریحه‌ی خود را در راه هدایت و ارشاد خلق و نشر فضیلت و دعوت مردم به سوی خدا و کمالات معنوی به کار ببرد.»^{۲۰}

و سخن پورنامداریان مبنی بر عدم ارتباط عطار با دربارها و قدرتمندان عصر خویش برخلاف دیگر شاعران و نویسندگان مؤید همین معنی است.^{۲۱} به گفته‌ی وی «مخاطبان او چه در شعر و چه در نثر مردم بودند و برای آنان بود که می‌نوشت و می‌سرود.»^{۲۲}

در شرح احوال عطار قدیم‌ترین مأخذ درباره‌ی پایان کار وی روایت ابن الفوطی خواننده شده که براساس آن معلوم می‌شود عطار به مرگ طبیعی نمرده است بلکه در حمله‌ی بی‌رحمانه‌ی قوم مغول به شهر نیشابور و کشتار عام مردم این ناحیه به دست تتر، شربت شهادت نوشیده است.^{۲۳}

۴. نسب‌نامه‌ی معنوی

همان طور که در قسمت قبل اشاره شد، از اساتید عطار اطلاعی به ما نرسیده است. با این حال «اگرچه ارادت عطار به مشایخ عصر خود و یا بزرگان پیش از عصر خویش در حد ارتباط مراد و مریدی در آثار او روشن نیست و به اقوال تذکره‌نویسان نیز هیچ اعتمادی نمی‌توان کرد، اما دل‌بستگی او به تصوف و متصوفه از آثار وی و به خصوص اثر منشورش تذکره‌الاولیاء که در آن

احوال بسیاری از مشایخ را باتوجه به آثار گذشتگان و با بیانی حاکی از اعتقاد و احترام تمام گردآورده است، پیدا است.»^{۲۴}

در دیدار با سیمرغ می‌خوانیم که دوستی این طایفه از کودکی در قلب عطار موج می‌زده است و پورنامداریان ارتباط دوستانه پدر عطار با متصوفه و تمکن مالی او که امکان ترتیب مجالسی را برای گردهمایی دوستان و آشنایان صوفی فراهم می‌کرده و در نتیجه‌ی این رفت و آمدها زمینه آشنایی عطار از همان کودکی با احوال و اقوال صوفیه فراهم شده است را علت این دوستی و علاقه می‌داند.^{۲۵}

در تعیین نسب‌نامه‌ی معنوی عطار نظرات متفاوتی ارائه شده است.

سعید نفیسی با اطمینان اعلام می‌دارد: «تردیدی نیست که وی از سلسله‌ی کبرویه و از معتقدان به اصول علم کبری بوده» است.^{۲۶} این درحالی است که فروزانفر نظر وی را مورد تأیید قرار نداده و رد می‌کند.^{۲۷} زرین‌کوب نیز با استناد به مجمل فصیحی معتقد است سلسله‌ی ارادت عطار از طریق شیخ جمال‌الدین محمد بن محمد التفندری به شیخ ابوسعید ابوالخیر می‌رسد^{۲۸} و شفیعی کدکنی که در این راستا تحقیقات کامل‌تری انجام داده است با معرفی جمال‌الدین محمد بن محمد التفندری، شرف‌الدین الراد و صلاح‌الدین احمد الاستاد به عنوان سه تن از مشایخ واسطه‌ی میان عطار و ابوسعید ابوالخیر این نظر را تأیید می‌کند.^{۲۹} پورنامداریان نیز با آوردن دلایلی موافقت خود را با نظر فوق اعلام می‌دارد. به گفته‌ی او «نیشابوری بودن ابوسعید، آوازه‌ی او در آن سامان، وجود حداقل دو کتاب *حالات و سخنان ابوسعید ابوالخیر و اسرارالتوحید* درباره‌ی احوال و اقوال او که عطار به آن‌ها دسترسی داشته است و توجه عطار به یادکرد بیش‌تر و احترام آمیز ابوسعید در مثنوی‌ها و غزلیاتش نسبت به سایر مشایخ صوفیه، تقریباً بر ارادت عطار به ابوسعید و رابطه‌ی روحانی میان آن دو جای تردید باقی نمی‌گذارد.»^{۳۰}

هرچند که به اعتقاد وی «اینکه نسب‌نامه‌ی معنوی شیخ به کدام‌یک از مشایخ صوفیه منتهی می‌شود، چندان تأثیری در شناخت اندیشه‌ها و جهان‌بینی عرفانی عطار ندارد.»^{۳۱}

۵. مذهب

فروزانفر در شرح احوال عطار در مورد مذهب وی چنین می‌گوید: «چنان که ظواهر آثار عطار گواهی می‌دهد، او مذهب اهل سنت داشته است. اظهار عشق و علاقه‌ی آتشین به خلفای سه‌گانه و مدح و ستایش شافعی و ابوحنیفه در مثنوی خسرونامه و تکریم ائمه‌ی سنت در تذکره‌الاولیا، دلیلی است ظاهر و غیرقابل انکار. اندرزهای عطار به متعصبان که روی سخن به شیعیان است و غلو او در دفاع از عقاید سنیان و صحت خلافت ابوبکر و عمر به حدی صریح و تند است که به هیچ روی تأویل نمی‌پذیرد.»^{۳۲}

شفیعی کدکنی نیز ضمن آنکه نظری مشابه فروزانفر ارائه می‌کند^{۳۳}، اظهار می‌دارد: «آنچه در باب تشیع او نوشته‌اند، همه برگرفته شده از آثاری است که هیچ نسبتی با او ندارند.»^{۳۴}

۶. آثار

عطار در مختارنامه، هشت اثر منظوم خود خسرونامه، اسرارنامه، مقامات طیور، مصیبت‌نامه، دیوان، جواهرنامه و شرح‌القلب را برشمرده و در مقدمه‌ی خسرونامه نیز نام الهی‌نامه را می‌آورد. با افزودن تذکره‌الاولیا بر کتاب‌های فوق، آنچه زاده‌ی طبع عطار است به ده کتاب می‌رسد. از جواهرنامه و شرح‌القلب هنوز اثری در دست نیست، بنابراین تنها هشت اثر منظوم از شیخ ما باقی مانده است.^{۳۵}

البته کتاب‌های دیگری نیز به عطار نسبت داده‌اند که فهرست آن را سعید نفیسی در جستجو در احوال و آثار فریدالدین عطار نیشابوری ارائه می‌دهد.^{۳۶}

اما به گفته‌ی پورنامداریان از میان کتب مذکور، تنها در انتساب *الهی‌نامه*، *منطق‌الطیر*، *اسرارنامه*، *مصیبت‌نامه*، *مختارنامه*، *دیوان غزلیات* و *تذکره‌الاولیا* به او هیچ شک و شبهه‌ای وجود ندارد.^{۳۷}

«برای آثار شیخ ترتیب تاریخی دقیقی نمی‌توان تعیین کرد زیرا او در هیچ‌یک از مثنوی‌ها و دیگر آثار خود سال نظم و تألیف را به دست نمی‌دهد و چون نسبت به حوادث روزگار خود نیز به سبب استغراقی که در فکر یا توجهی که به عالم معنوی داشته بی‌اعتنا بوده است، از روی قراین تاریخی هم این ترتیب را در نظر نمی‌توان گرفت.»^{۳۸}

با این حال پورنامداریان در *دیدار با سیمرغ* با ارائه‌ی دلایل منطقی، ترتیب پدید آمدن آثار وی را به صورت زیر می‌خواند:

اسرارنامه، *الهی‌نامه*، *منطق‌الطیر*، *مصیبت‌نامه*^{۳۹}، *دیوان* و *مختارنامه*.^{۴۰}

اما برای سرودن غزلیات و رباعیات از نظر تاریخی جای خاصی در نظر نگرفته و به گمان او پیدایش آن‌ها در طول زندگی شاعر روی داده است.^{۴۱}

از آنجا که هدف این پژوهش بررسی جلوه‌های شعر تغزلی در چهار اثر تعلیمی *اسرارنامه*، *الهی‌نامه*، *منطق‌الطیر* و *مصیبت‌نامه* است، به همین منظور از میان آثار عطار به معرفی این چهار اثر می‌پردازیم.

الف- اسرارنامه

این کتاب مشتمل بر ۳۳۰۹ بیت و دارای بیست و دو مقاله است که هریک از مقالات به اصلی از اصول تصوف اختصاص دارد.

عطار برای شرح این اصول در هر مقاله، حکایت‌ها و افسانه‌های دلکشی را نقل می‌کند و در طی آن به حل دشواری‌های کلام متصوفه می‌پردازد.

آغاز کتاب با مدح خدای تعالی و ستایش پیامبر اکرم (ص) و ثنای خلفای اربعه صورت می‌گیرد و پایان آن دعای به سراینده است.

زبان ساده و در عین حال راه برنده به مقصود، ترکیبات بدیع و تعبیرات بسیار تازه و دل‌انگیز، استفاده از آیات قرآن کریم و احادیث مصطفی (ص)، کاربرد اصطلاحات طبی و نجومی و فقهی و سرانجام لغات و عبارات و ترکیبات خاص عطار، همچنین اصطلاحات تصوف از ویژگی‌های این کتاب‌اند.^{۴۲}

هلموت ریتز در دریای جان به دو فرق اساسی /سر/نامه با سه مثنوی دیگر عطار اشاره می‌کند. به اعتقاد او تفاوت اول در حجم کم‌تر این مثنوی نسبت به سایر مثنوی‌های عطار است و تفاوت دوم آن است که در این کتاب داستان اصلی یا قالبی که آن را با سه مثنوی دیگر پیوندی محکم و عالی و ساختاری روشن و منسجم بدهد، وجود ندارد.^{۴۳}

ب- الهی‌نامه

بنابر تحقیق شفیع کدکنی، نام اصلی /الهی‌نامه/، خسرونامه بوده است که این تحول نام ظاهراً به دست نسل‌های بعد انجام شده است.^{۴۴} وزن کتاب هزج مسدس محذوف می‌باشد، در قالب مثنوی سروده شده و دارای بیش از ۷۰۰۰ بیت است.

/الهی‌نامه/ از یک مقدمه شامل مناجات و نعت پیغمبر، مدح خلفا و تحسین نفس ناطقه و شش فصل عمده شامل بیست و دو مقاله و همچنین یک خاتمه تشکیل شده است. کل این کتاب، بیان داستان گفتگوی خلیفه‌ای دانا با شش پسر خویش که هریک با وجود همه‌ی دانسته‌ها و آموخته‌هایشان دارای آرزویی در دل هستند، می‌باشد. به این ترتیب که فرزند اول دل‌باخته‌ی دختر شاه پریان، فرزند دوم عاشق سحر و جادو، فرزند سوم خواهان جام جمشید، فرزند چهارم جوینده-ی آب حیات، فرزند پنجم در اندیشه‌ی یافتن انگشتر سلیمان و فرزند ششم جویای کیمیا است و